



دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۴/۱۹

پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۰۱/۱۸

تبیین نظام حاکم بر اقدامات حفاظتی معماران بومی با بهره‌گیری از دانش ضمنی معماران در جنوب خراسان

رضارحیم‌نیا*، مهران قرائتی**، علی زمانی‌فرد***، سعید سعیدپور****

چکیده

نقش و اهمیت معماران بومی در خلق و تداوم معماری، قابل چشم‌پوشی نیست. این نقش، تنها منحصر به تولید اثر معماری نبوده و اقدامات تعمیراتی و حفاظتی را نیز شامل می‌شده است؛ به طوری که آنها را می‌توان منابعی مهم برای شناسایی نظام حاکم بر اقدامات حفاظتی در گذشته دانست. علی‌رغم این موضوع، معماران به‌عنوان اصلی‌ترین عاملان اقدام، واسطه انتقال دانش معماری به نسل‌های بعد و یکی از منابع شفاهی معماری و حفاظت، کمتر مورد استناد قرار گرفته‌اند؛ این در حالی است که دانش حاصل از تجارب ایشان، به‌عنوان دانش ضمنی حفاظت و بخشی از میراث ناملموس، قابل توجه است. مقاله پیش رو با تمرکز بر فهم این دانش ضمنی، به دنبال "تبیین نظام حاکم بر یک اقدام حفاظتی در میراث معماری" است که در راستای پاسخ به پرسش "تفکر و نظام حاکم (شرایط، اهداف و پاسخ‌ها) برای اقدام حفاظتی از منظر معماران بومی چیست و چه اجزایی دارد؟" شکل گرفته است.

در جهت دستیابی به این هدف، در قالب یک مطالعه کیفی و با بررسی میدانی، داده‌های حاصل شده از طریق مصاحبه (گفتگو) نیمه‌ساختاریافته با گروهی از معماران بومی جنوب خراسان، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. روش پژوهش مورد استفاده، برگرفته از روش نظریه زمینه‌ای است که با گدگاری و دسته‌بندی مؤلفه‌های ذهنی معماران در زمینه حفاظت فراهم شده است. پژوهش نشان می‌دهد دلایلی هم‌چون؛ نیازهای تعمیراتی، عدم پایداری، شرایط اضطراری کالبد، نیازهای روز و باورها و اعتقادات در کنار تأثیر شرایط زمینه (تغییر در مصالح و شیوه معماری، ارزش‌ها و باورها، هنجارها، مسائل و محدودیت‌ها) و دخیل (که شرایط معمار، نقش اصلی را در آن ایفا می‌کند)، منجر به اقدامات حفاظتی شده‌اند. هم‌چنین چگونگی تأمین هدف "پایداری در سازه و تداوم در عملکرد"، از طریق راهبردهای عمل-تعامل مانند تعمیر، نو ساختن، به‌روز رسانی و دوباره ساختن شناسایی شده است. در نهایت نیز با بررسی نتایج حاصل، تفکر حاکم بر اقدامات حفاظتی در جنوب خراسان مورد توجه قرار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: میراث معماری، اقدام حفاظتی، معمار بومی، دانش ضمنی، جنوب خراسان

Rahimnia@arc.ikiu.ac.ir

mehrangharaati@gmail.com

Zamanifard@art.ac.ir

saiedsaiedpour@yahoo.com

* استادیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).

** استادیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان.

*** استادیار، دانشکده حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر (پردیس باغ ملی).

**** کارشناس ارشد ایران‌شناسی (گرایش میراث فرهنگی).

مقدمه

بر طبق تعاریف، حفاظت به قصد افزایش طول عمر میراث فرهنگی و در صورت امکان، شفاف کردن پیام‌های هنری و تاریخی ملحوظ در آن، بدون از دست دادن اصالت و معنی آن انجام می‌شود (ICOMOS, 2010). از این منظر، کلیه دخالت‌های صورت گرفته در اثر، در راستای کمک به پایداری بهتر آن یا به بیان دیگر حفظ آن چه موجود است، را می‌توان مداخله یا اقدام حفاظتی تلقی نمود (Muñoz Viñas, 2005: 188) یا افزایش عمر اثر را غایتی برای هر اقدام حفاظتی دانست. با این تعابیر، عملاً آن چه به عنوان میراث معماری از گذشته تا عصر ما ماندگار شده، محصول اقدامات حفاظتی بسیار در راستای تداوم حیات کالبدی و عملکردی اثر بوده است. این اقدامات -در غیبت وجود دانش آکادمیک و رسمی در خصوص حفاظت و مرمت- بیش از هر چیز متکی بر دانش و تجربه مجریان و مداخله‌گران سنتی یا همان معماران بومی بوده‌اند؛ که امروزه از منظر مراجع و مراکز معتبر حفاظت، بخش ارزشمندی از سرمایه هر منطقه و مستندسازی آنها بخشی از پروسه حفاظت محسوب می‌شوند (ICOMOS, 1964; ICOMOS A, 1999 & ICOMOS, 2008)؛ تجاربی که گاهی منحصر به افراد و محصول دریافت‌های فردی آنان بوده و در طول فعالیت فرد به گونه‌ای دانش شخصی وی را در زمینه مربوطه فراهم ساخته است. این دانش که علی‌الخصوص در منابع شفاهی به دانش شخصی نیز تعبیر می‌شود، به عنوان دانشی نهفته در ذهن معمار (به عنوان منابع مورد توجه در این پژوهش) تحت عنوان دانش ضمنی^۱ و هم‌چنین به عنوان بخشی از تاریخ شفاهی معماری قابل توجه است.

میراث معماری ایران نیز در طول حیات خود، شاهد اقدامات حفاظتی زیادی توسط معماران بومی بوده که پرداختن به دانش ضمنی مرتبط با آن را نزد این معماران ضروری می‌نماید. در این راستا، توجه به این موضوع وقتی مهم‌تر می‌شود که برخی از محققین، ضرورت تحلیل و بررسی نگرش این معماران را -که برخاسته از مبانی فکری و نظری آنها است- به عنوان مرجعی برای ارتقای حفاظت بومی در ایران مورد تأکید قرار داده‌اند (ندیمی، ۱۳۸۶: ۴۷)؛ رویکردی که خود می‌تواند منجر به تبیین و حفظ بخشی از میراث ناملموس حفاظت میراث معماری شده (Muñoz Viñas, 2005: 136) و مجامع جهانی نیز تجربه‌های گذشته هر سرزمین و مبانی نظری و فکری آن را به عنوان مرجعی مناسب در حفظ ارزش‌های بومی، مورد تأکید قرار داده‌اند (حجت، ۱۳۸۰: ۱ و ۲؛ فلامکی،

1383: 16؛ ICOMOS, 1964; ICOMOS A, 1999 & ICOMOS, 2008) و (Muñoz Viñas, 2005: 40). با این مقدمه، پژوهش حاضر تلاش دارد تا با هدف تمرکز بر دانش فردی (ضمنی) معماران بومی و میراث معماری، بخش مهمی از مسیر شناخت دانش حفاظت نزد گذشتگان را فراهم ساخته و به "شناسایی ساختار اقدامات حفاظتی نزد معماران بومی جنوب خراسان" بپردازد. منظور از شناسایی ساختار، دستیابی به نظام فکری^۲ است که در اقدامات انجام شده توسط معماران بومی وجود داشته و در قالب تبدیل دانش ضمنی معماران به دانشی آشکار می‌تواند استخراج و تبیین شود. بدین ترتیب با توجه به روش مورد استفاده در این پژوهش، "اقدامات حفاظتی در میراث معماری" به عنوان موضوع اصلی، مد نظر و جوانب متفاوت نسبت به آن مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به این اهداف، چارچوب کلی این مطالعه در راستای پاسخ به سؤالات زیر تنظیم شده است: نظام حاکم (شرایط، اهداف و پاسخ‌ها) برای یک اقدام حفاظتی از منظر دانش ضمنی معماران بومی چیست؟ با توجه به نظام حاکم و اجزای آن، نگرش معماران بومی برای یک اقدام حفاظتی چگونه شکل گرفته است؟

پیشینه تحقیق

با نگاهی به موضوع و مسأله پژوهش، ساختار کلی پیشینه در دو بخش معماران بومی و دانش ضمنی، قابل بحث است. با توجه به این که معماران سنتی به عنوان اصلی‌ترین اقدام‌کنندگان برای ساخت و تعمیر آثار معماری، موضوعی شناخته شده و در خور برای محققین هستند، از این رو پژوهش‌هایی با تنوع رویکرد درباره آنها انجام شده‌اند. "مستندکردن نام آنها" در قالب کتیبه‌ها و اسناد و متون تاریخی، "تشریح فعالیت ساختمانی یا صنفی آنها" در متون تاریخی و آثار نظم و نشر و سفرنامه‌ها و هم‌چنین "مستندسازی تجربیات و دانش فنی و نظری آنها"، گروه‌های اصلی در توجه پژوهشگران به معماران سنتی را تشکیل می‌دهند (رحیم‌نیا و همکاران، ۱۳۹۶). در این بین، گروهی که ارتباط نزدیک‌تری با موضوع این پژوهش دارد، دسته سوم این مطالعات است. مستندسازی تجربیات و دانش فنی - نظری را می‌توان در چند گروه زیرمجموعه نیز مد نظر داشت: گروه اول؛ مستندسازی تجربیات معماران که بخشی از تجربیات معماران گذشته را مستند کرده است، گروه دوم؛ معرفی استادکاران و معماران گذشته است که مقالات و مجلات تخصصی حوزه فرهنگ و میراث فرهنگی نشان می‌دهند که به عنوان بخشی در مقالات آنها جای دارند، گروه سوم؛ توجه به دانش فنی معماران است که شاید بتوان



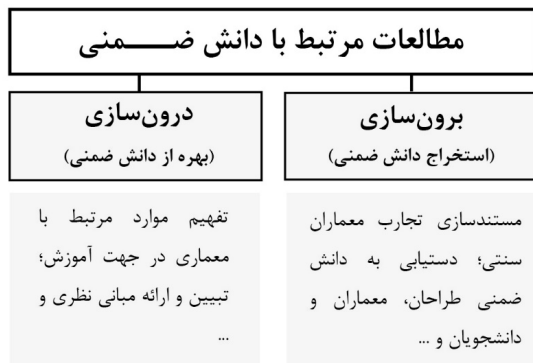
حوزه قابل توجه است (Petermans et al, 2011). از طرف دیگر، با توجه به این که حوزه این تحقیق به مباحث دانش ضمنی و هم‌چنین رویکرد بومی در آن می‌پردازد، لذا توجه به سابقه مطالعات در حوزه معماری بومی قابل توجه است. درباره دانش ضمنی، حفاظت و معماری، مکا و همکارانش (2008; 2012)، حفاظت از میراث معماری خاکی را یک حوزه چالش‌برانگیز از علم، دانش ضمنی و دانش صریح می‌دانند که نشان از رابطه مستمر تجربه محلی با حفاظت از معماری دارد. هم‌چنین دیپاسکال و همکارانش در پژوهشی دیگر (2011: 233)، معتقد هستند در پشت معماری بومی، یک سیستم دانش پیچیده قرار دارد که شامل عوامل زیادی و از جمله دانش محلی ضمنی است؛ قابلیت‌هایی که پرداختن به دانش ضمنی در جهت شناخت نظام و نگرش حاکم بر مداخلات را به‌خوبی توجیه خواهد کرد.

در ارتباط با همین موضوع، سیرینا و همکارانش (۲۰۰۶) که بخشی از داده‌های تحقیق خود را از طریق مصاحبه با سازندگان و صنعتگران محلی اخذ کرده، برای ایجاد ارتباط دانش ضمنی و مدیریت حفاظت قدم برداشته‌اند. هم‌چنین بیلینی و همکارانش (2013: 81) در مقاله خود - که سازه‌های خاکی سه روستا در مراکش را مورد بررسی قرار داده‌اند - اشاره می‌کنند که خاک مناسب، بر اساس دانش ضمنی و تجربه در طول زمان فراهم شده و صاحبان این دانش را مردمان محلی می‌دانند که به‌صورت ضمنی آنها را حفظ کرده‌اند. بخش دیگری از مطالعات مرتبط، نیز به استفاده از روش نظریه زمینه‌ای در مطالعات مرتبط با معماری و حفاظت پرداخته‌اند که در پژوهش‌های غیر فارسی (Castellanos-Verdugo et al, 2010: 120; Correia, 2009: 126-127; Daengbuppha et al, 2006: 382-384; Fakhra, 2012) فارسی (عباسی هرفته، ۱۳۹۲؛ صفائی‌پور، ۱۳۹۴) نمونه‌هایی از آنها قابل توجه هستند. به‌نظر می‌رسد مباحث تجربه و دانش ضمنی معماران در پژوهش‌های گذشته با رویکرد ترکیبی

از آن تحت عنوان درس‌آموزی از تجربیات و نکات اجرایی و فنی موجود در آنها (دانش عملی) نیز نام برد و گروه چهارم که مطالعات کمتری را به‌خود اختصاص داده، توجه به دانش نظری معماران سنتی است که جنبه‌های اخلاقی، ایدئولوژیکی و هم‌چنین آموزش‌های استاد-شاگردی را مورد توجه قرار داده‌اند. در ارتباط با معماران، آن‌چه این مقاله دنبال می‌کند بیشتر به گروه سوم و چهارم ارتباط خواهد داشت. منظور این‌که، تلاش این مقاله در جهت بهره‌برداری از دانش نظری معماران در حوزه اجرا است؛ موضوعی که تا کنون در حوزه حفاظت مد نظر قرار نگرفته و ارتباط مطالعات دانش ضمنی با آن قابل توجه است. استخراج دانش ضمنی می‌تواند حوزه تئوری نزدیک با عمل معماران بومی را شکل دهد.

دانش ضمنی نیز به‌عنوان بخش دوم مطالعات انجام‌شده، در حوزه‌های علوم مختلف مورد بحث قرار گرفته و معماری و حفاظت نیز از آن مستثنی نبوده است. مطالعات مرتبط با دانش ضمنی و نقش مهارت‌ها و تجربه‌ها در معماری و حفاظت از آن، دارای تنوع رویکردها است و به‌خصوص بخشی از پژوهش‌ها در راستای بهره‌گیری از این دانش‌ها برآمده‌اند. همان‌طور که در تصویر ۱ ارائه شده، این دسته از پژوهش‌ها اگر چه محدود بوده ولی در دو گروه قابل دسته‌بندی هستند: گروه اول در پی دستیابی به دانش ضمنی بوده (برون‌سازی دانش ضمنی) و تلاش داشته‌اند تا از آنها برای معماری و حفاظت بهره بگیرند. مستندسازی دانش و تجربیات معماران بومی و بهره‌گیری از دانش ضمنی آنها برای حفاظت، نمونه‌ای از این گروه هستند (رحیم‌نیا و همکاران، ۱۳۹۲؛ رحیم‌نیا، ۱۳۹۵، ۷۳-۷۰) که در نهایت به ارائه روش‌های برخورد بومی در فعالیت‌های حفاظت و مرمت و هم‌چنین ارائه عوامل و زمینه‌های مؤثر بر مداخلات حفاظتی پرداخته‌اند. بخش دیگر نیز در پی دستیابی به دانش ضمنی طراحان و معماران و یا حتی دانشجویان بوده و تلاش داشته تا از آنها در جهت آموزش معماری بهره بگیرد (حجت و طایفه، ۱۳۹۱: ۱۱؛ صفائی‌پور، ۱۳۹۴). این مطالعات نیز در نهایت با ارائه روش‌ها یا تمرین‌های آموزشی متناسب، تلاش کرده‌اند دانش ضمنی معماران را منتقل کرده و با حساس کردن دانشجویان برای طراحی و خلاقیت در معماری، آنها را به‌کار گیرند.

گروه دوم، مطالعاتی است که برای استفاده از دانش ضمنی در جهت تفهیم موارد مرتبط با طراحی معماری (درونی کردن دانش ضمنی) به آن پرداخته‌اند (Andjomshoa et al, 2011)، ولی موضوع حفاظت از معماری کمتر در آنها مورد توجه بوده است. استخراج و تبیین مبانی نظری با بهره‌گیری از این دانش ضمنی برای معماری مثل بهره‌گیری از دانش ضمنی طراحان داخلی و هم‌چنین موضوع ارتباط با مشتری در این



تصویر ۱. مطالعات مرتبط با دانش ضمنی (نگارندگان)

نظری و عملی (حفاظت در عمل با بهره‌گیری از دانش ضمنی تئوری) که معماران بهترین و کامل‌ترین منابع آن هستند، مورد توجه قرار نگرفته‌اند؛ به‌گونه‌ای که دانش ضمنی معماران بومی به‌عنوان منبع دست‌یابی به نظام‌های فکری مد نظر آنها، پردازش نشده و در این پژوهش برای اولین بار در قالب یک پژوهش میدانی و روش علمی، به موضوع حاکم بر اقدامات حفاظتی از منظر معماران پرداخته شده است.

جامعه و ابزار تحقیق

جنوب استان خراسان که امروزه با نام استان خراسان جنوبی شناخته می‌شود، حوزه جغرافیایی پژوهش را پوشش می‌دهد. سابقه و گستردگی معماری بومی، وجود نمونه‌های قابل مطالعه از

آخرین نسل جامعه معماران بومی فعال در حوزه میراث معماری در منطقه، آشنایی پژوهشگر با محدوده مورد مطالعه، امکان ایجاد ارتباط شفاهی با نمونه‌های مورد مطالعه به‌سبب آشنایی پژوهشگر با گویش و لهجه محلی، از دلایل اصلی انتخاب این محدوده جغرافیایی بوده است. در ادامه، با مشورت و همکاری کارشناسان اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان جنوبی، گروهی از معماران بومی این استان شناسایی و از طریق نمونه‌گیری نظری^۲، گروهی از معماران بومی فعال در این منطقه با مشورت متخصصان مرتبط شناسایی شدند. لذا نگارندگان برای انجام مطالعات میدانی در یک بازه یک ماهه، ضمن مراجعه به ۲۰ نفر از این معماران سنتی (جدول ۱)، گفتگوهایی را با آنها انجام داده‌اند. با وجود رواج معماری

جدول ۱. مشخصات جامعه آماری مورد مصاحبه

ردیف	نام و نام خانوادگی	متولد	محل سکونت	برخی از تجارب حرفه‌ای حفاظت
۱	اکبر ایوبی	۱۳۰۵	روستای رقه	مسجد جامع رقه (خشتمال)
۲	محمد علی عبدلی	۱۳۲۰	روستای رقه	مسجد جامع، آسیاب بالا (فروغ)، خانه فروغ در رقه
۳	غلامحسین وفایی	۱۳۱۹		مسجد جامع، حوض انبار، حسینیه در رقه
۴	رمضان غلامی	۱۳۳۳	روستای نیگنان	مسجد، رباط روستا و ساخت خانه‌های مردم بومی در نیگنان
۵	حسین اسماعیلی اول	۱۳۲۶	شهر بشرویه	بافت تاریخی، خانه مستوفی و خانه پناهی در بشرویه و مسجد جامع رقه
۶	غلامرضا پناهی	۱۳۳۳	شهر بشرویه	بافت تاریخی بشرویه، مسجد جامع و خانه فروغ در رقه
۷	علی امیدفر	۱۳۲۸		حصار تاریخی شهر بشرویه و همکاری با اداره میراث فرهنگی شهرستان
۸	سید حسین ذبیحی‌فر	۱۳۱۹	شهر ارسک	مسجد جامع در ارسک
۹	حسین عزیزی	۱۳۱۴		مسجد جامع در ارسک
۱۰	محمد مبینی	۱۳۱۴	روستای فتح‌آباد	معماری بومی و خانه‌های فتح‌آباد
۱۱	نجفعلی یزدانیان	۱۳۱۷	روستای عشق‌آباد	معماری بومی و خانه‌های عشق‌آباد
۱۲	عبدالله خاکسار	۱۳۱۷	شهر آیسک	حسینیه، مسجد قدیم، حوض انبار در آیسک و مسجد روستای دوحصاران
۱۳	احمد دوستی	۱۳۲۲	روستای بجد	مسجد بجد، مسجد ازبکان بجد و مسجد نوفرست
۱۴	محمد فولادی	۱۳۰۷	روستای خور	آب انبار، مسجد و حمام در بیرجند، خوسف و بجد
۱۵	غلامحسین برزگران	۱۳۱۹	شهر بیرجند	استادکار میراث فرهنگی و دارای تجارب مرمت در بیرجند، خوسف و قائن
۱۶	علی اکبر میرشب	۱۳۱۳	شهر فردوس	حصار قدیم شهر فردوس و بشرویه (اجرای چینه)
۱۷	محمدعلی هامون	۱۳۳۳	شهر خوسف	مسجد جامع و خانه‌های تاریخی در خوسف
۱۸	حبیباله فولادی	۱۳۱۸	روستای نصرآباد	معماری بومی و خانه‌های روستایی در خور و نصرآباد
۱۹	غلامرضا بنی‌اسدی	-	روستای خشکان	معماری بومی و خانه‌های روستایی در خشکان و آبادی‌های اطراف
۲۰	محمدعلی نوروزی	۱۳۲۶	روستای کریمو	معماری بومی و خانه‌های روستایی در کریمو، سُرند و آبادی‌های اطراف

(نگارندگان)



در **جدول ۲** ارائه شده است.^۸ ارائه این دسته‌بندی (معادل زیردسته‌ها^۹ در کُدگذاری محوری^{۱۰}) و تعیین روابط مابین آنها به‌عنوان قالبی معنادار، تحت عنوان نظام حاکم در این پژوهش مورد بحث قرار گرفته؛ نظامی که برخاسته از شرایط، عمل-تعامل‌ها و پیامدهای یک اقدام بوده^{۱۱} و در قالب یک پارادایم^{۱۲} (الگوواره، نظام فکری، نظام علمی) برنامه‌ریزی و ارائه شده است. این رویکرد که در مطالعات نظریه زمینه‌ای مورد کاربرد بوده، در این پژوهش برای شناخت نظام اقدامات حفاظتی نزد معماران بومی مورد استفاده قرار گرفته است.

اقدامات حفاظتی

طبق تعاریف ارائه‌شده در مقدمه و به‌طور خلاصه، منظور از اقدامات حفاظتی، کلیه اقدامات انجام‌گرفته در اثر یا محیط آن در راستای کمک به افزایش طول عمر اثر است. در موضوع حفاظت امروز و در چالش‌های افرادی مثل لدوک^{۱۳}، راسکین^{۱۴}، بویتو^{۱۵}، پلترامی^{۱۶} و دیگران که تشکیل و تکوین تفکر حفاظت نوین به‌گونه‌ای ریشه در مباحث آنها دارد، محوریت بسیاری از مباحث به چگونگی و میزان دخالت در آثار باز می‌گردد (Muñoz Viñas, 2009: 56). از این منظر، حوزه مداخله یا اقدام عملی را می‌توان در روند شکل‌گیری دانش حفاظت، نقطه آغازین و از دلایل شکل‌گیری این دانش برشمرد و به‌گونه‌ای آن را همزاد و همراه حفاظت دانست و یا حوزه عمل حفاظت را خیلی نزدیک به آن احساس نمود (کشاورز، ۱۳۸۷: ۳۳). از این‌رو کیفیت و ابعاد عملی مداخلات حفاظتی، بخش مهمی از توصیه‌ها و میثاق‌های بین‌المللی را طی دهه‌های گذشته به‌خود اختصاص داده‌اند^{۱۷}. علاوه بر این، تعاریف متنوع ارائه‌شده برای "حفاظت" در این میثاق‌ها و مراجع معتبر علمی حفاظت^{۱۸}، حکایت از تلاش برای پوشش همه‌جانبه ابعاد مداخله در اثر و کسب اطمینان از روش‌های متنوع اقدام برای دست‌یابی به هدف غایی حفاظت را دارند.

هم‌چنان که بر طبق تعریف ارائه‌شده در منشور کراکو (ICOMOS, 2000)، حفاظت می‌تواند با انواع مختلفی از مداخلات مثل کنترل‌های محیطی^{۱۹}، نگهداری^{۲۰}، تعمیر^{۲۱}، مرمت^{۲۲}، نوسازی^{۲۳} و توان‌بخشی^{۲۴} درک شود و نوع اقدام حاکی از تصمیم‌ها^{۲۵}، انتخاب‌ها^{۲۶} و مسئولیت‌های^{۲۷} وابسته به تمامیت میراث است. از این منظر مداخله هر عمل، به‌غیر از تخریب و یا نابودی است که منجر به یک تغییر فیزیکی در عنصری از یک مکان تاریخی می‌شود و باید با احترام و حفاظت، ارزش‌های میراثی آن مورد توجه قرار گیرد (Canada, 2003: 3). مداخله می‌تواند عملیات حفاظتی، مرمتی، فعالیت‌های احیا و ارتقای شرایط را شامل شود.

بومی در روستاها و وجود معماران سنتی با تجربه، معماری و دانش بومی در این منطقه موضوع پژوهش بوده و از این‌رو، جنوب خراسان در عنوان مقاله نیز مورد تأکید قرار گرفته است. جمع‌آوری مطالب، برگرفته از مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای بوده که شاخصه‌ها و ادبیات مرتبط با موضوع پژوهش از مطالعات کتابخانه‌ای استخراج شده‌اند. در بخش مطالعات میدانی نیز جمع‌آوری اطلاعات، به‌روش مشاهده، مصاحبه با سؤالات باز و گفتگو انجام پذیرفته است. لازم به‌ذکر است، ساختار پرسش‌ها به‌گونه‌ای بوده که بتواند به سؤالات پژوهش پاسخ دهد ولی با توجه به روش پژوهش، امکان این که سؤالات مشخصی از تمام مصاحبه‌شوندگان پرسیده شود، وجود نداشته و به‌همین دلیل، بیشتر نام گفتگو بر آن گذاشته شده است تا مصاحبه. انتخاب پرسش‌های باز در روند گفتگو به این دلیل بوده که مصاحبه‌شونده آزاد گذاشته شود تا هر آن‌چه در ذهن دارد بیان کند. تنها در برخی موارد در جهت هدایت فرآیند گفتگو، توسط مصاحبه‌کننده سؤالاتی پرسیده شده؛ از این‌رو نقش مصاحبه‌کننده، بیشتر هدایت مصاحبه در جهت موضوع مورد پژوهش بوده است.

روش تحقیق

معماران بومی، به‌عنوان حاملان دانش شفاهی حفاظت موضوع و منبع اصلی برای مطالعه و دست‌یابی به داده‌های مورد نظر در این پژوهش هستند. از طرفی هدف تحقیق، "شناسایی ساختار اقدامات حفاظتی نزد معماران بومی" بوده که منظور از آن شناسایی ساختار اقدامات، دست‌یابی به نظام فکری^۴ یا سامانه‌ای^۵ است که توسط معماران بومی برای اقدامات وجود داشته است. پژوهش پیش‌رو به‌اعتبار هدف، پژوهشی بنیادی و توسعه‌ای بوده که با تکیه بر داده‌های به‌دست آمده از گفتگو با نمونه‌های مورد مطالعه و با استفاده از روش‌های ترکیبی (تاریخی، توصیفی، پیمایشی و میدانی) انجام پذیرفته است. از آنجا که هدف از این مطالعه، شناخت دیدگاه‌ها و معانی افراد در یک موقعیت خاص (اقدامات حفاظتی) بوده، اساساً مبتنی بر داده‌های کیفی است. بنابراین پس از مصاحبه، کُدگذاری متن گفتگوها برگرفته از نظریه زمینه‌ای^۶ - به‌عنوان یکی از روش‌های تحلیل داده‌های کیفی - مبنای تجزیه و تحلیل داده‌ها قرار گرفته است. بدین منظور، از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با معماران بومی و ضبط و تبدیل این گفتگوها به متن، داده‌های اولیه مورد نیاز پژوهش فراهم آمده‌اند. در مرحله بعد با انجام فرآیند کُدگذاری برای واحدهای معنادار^۷ در متن گفتگو، مفاهیم مرتبط اختصاص داده شد و در قالب گروه‌های جدید دسته‌بندی شدند که بخشی از آنها

بدین ترتیب هدف حفاظت، به درازا کشاندن عمر اثر است (Muñoz Viñas, 2009: 56) و مداخله کاری است که این مهم را محقق می‌سازد (براندی، ۱۳۸۷: ۳۷)؛ بنابراین همواره پیوندی تنگاتنگ میان این دو مقوله وجود دارد، به گونه‌ای که می‌توان اندیشیدن به حفاظت را در واقع اندیشیدن به محیط مداخله، چگونگی اقدام، مقیاس و میزان آن در آثار تلقی نمود؛ چرا که با این تعابیر، حفاظت میراث معماری بدون اقدام یا مداخله، عملاً وجود خارجی ندارد.

دانش ضمنی معماران بومی و اقدامات حفاظتی

همان‌طور که اشاره شد، تداوم حیات میراث معماری برای قرن‌ها و امکان مراجعه امروزه به بسیاری از آنها، مستقیم و غیرمستقیم در ارتباط با اقداماتی است که گذشتگان در راستای افزایش عمر این آثار یا همان مداخلات حفاظتی

انجام داده‌اند. لذا در اینجا متناسب با هدف پژوهش و در راستای پاسخ به پرسش محوری، از طریق مراجعه به این معماران تلاش شده است تا ضمن دریافت و درک دانش بومی مرتبط با حفاظت نزد ایشان، به تبیین ساختار فکری و نظام حاکم بر این اقدامات پرداخته شود؛ ساختاری که می‌تواند به مثابه الگوواره‌ای، نظام اقداماتی حفاظتی از منظر دانش بومی حفاظت در جنوب خراسان را معرفی کند. برای دستیابی به ابعاد مختلف این نظام -با توجه به نظریه زمینه‌ای که منشأ تئوریک آن را شکل می‌دهد و داده‌های به دست آمده از گفتگو با معماران که نموده‌های آن هستند- عوامل و مؤلفه‌های پیرامونی از طریق پرداختن به انواع شرایط علی (علت و دلیل)، شرایط زمینه‌ای، شرایط دخیل، راهبردهای عمل و تعامل و پیامدها، در قالب یک نظام در ادامه مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند.

جدول ۲. بخشی از کدها و مفاهیم استخراج شده

زیردسته‌ها Sub-Categories		کدها - مفاهیم Codes
شرایط علی	باور و اعتقادات (نیات)	نذر / فعالیت خیریه
شرایط زمینه‌ای	اهمیت ارزش‌ها و باورها	ارزش‌های دینی و مذهبی / ارزش‌های تاریخی / باور و اعتقادات
شرایط زمینه‌ای	همکاری متقابل مردم	همدلی و همراهی مردم / مشارکت مردمی / مشارکت مردمی در هزینه تعمیر
شرایط زمینه‌ای	صرفه‌جویی و قناعت (اخلاق فردی - اجتماعی)	قناعت / صرفه‌جویی در مصالح گران و سخت / استفاده از مصالح در دسترس و ارزان / صرفه‌جویی در هزینه / صرفه‌جویی در زمان
شرایط زمینه‌ای	انعطاف‌پذیری و سازگاری با شرایط	سازگاری با شرایط مختلف / توجه به شرایط عموم مردم / مشارکت مردمی / سختی فعالیت تعمیر و معماری / تجربه و خلاقیت (ایده جدید)
شرایط دخیل	اخلاق حرفه‌ای	صبر و ممارست برای بهتر شدن نتیجه کار / کار درست و کار خوب / استفاده از مصالح همسان / حفظ امانت / احترام شاگرد به استاد
عمل-تعامل‌ها	به روز رسانی	انطباق و به‌روزرسانی با نیازهای روز / گسترش و توسعه
شرایط علی	میل به پیشرفت (روزآمدی)	به روز شدن / گسترش و توسعه / ترجیح مصالح روز
شرایط زمینه‌ای	پاسخ به تغییر الگوی معماری	پذیرش مصالح جدید / ترجیح مصالح روز / تغییر در شیوه و الگوی معماری
شرایط دخیل	اهمیت تجربه و تخصص	مستند کردن نام معمار / اعتماد به معمار / ایمان به توانایی / توانایی و تخصص معمار / اعتماد به شاگرد / شناخت تجربی مصالح / تقلید از تجربه دیگران / تجربه و خلاقیت (ایده جدید) / کسب مهارت و تجربه در گذر زمان
شرایط علی	تعمیرات منظم و دوره‌ای	الزامات مرمت متداوم / تقویت کالبد / تداوم داشتن تعمیر و مرمت
پیامدها و نتایج	حفظ پایداری در سازه (کالبد)	استحکام داشتن / تداوم داشتن تعمیر و مرمت برای پایداری / تقویت کالبد
پیامدها و نتایج	حفظ کارکرد	حفظ کلیت ساختار با حذف عناصر / عدم وجود ضوابط برای تعمیر / تداوم داشتن تعمیر و مرمت / انطباق و به روز رسانی / تعمیر و مرمت

(نگارندگان)



شرایط علی (علت و دلیل)

معماری و واکنش معماران نسبت به آنها (مداخلاتی که در آثار معماری صورت پذیرفته‌اند) از طرف دیگر می‌توانند نمونه‌هایی از رویکرد طبیعی بوده که بخشی از رخداد‌های مداخله‌ای در آثار را در بر می‌گیرند. در این راستا، کدهای استخراج شده نشان می‌دهند که اقدامات انجام شده از بُعد شرایط علی در دو گروه علت (به‌مثابه پدیده طبیعی) و دلیل (به‌مثابه پدیده اجتماعی) می‌توانند مورد توجه باشند. همان‌طور که در **تصویر ۲** آمده است، در باب علت می‌توان مشکلات پایداری (حفاظت‌های پیشگیرانه) و شرایط اضطراری کالبد (در راستای آسیب) و در باب دلیل می‌توان تعمیرات منظم و دوره‌ای (الزامات مرمت مداوم)، پاسخ به نیازهای روز (روزآمدی) و باور و اعتقادات (نیات) را مد نظر داشت؛ که از کدهای حاصل از تحلیل مصاحبه‌ها استخراج شده و نمونه‌هایی از آنها در **جدول ۳** آمده‌اند. این موارد از لحاظ نگرشی نیز می‌توانند در چند دسته قابل بحث باشند؛ نگرش‌های کارکردی^{۲۶}، اعتقادی^{۲۷} و ساختاری^{۲۸} مواردی هستند که در دلایل اقدامات عملی مد نظر و موارد اشاره شده را می‌توان در قالب این سه نگرش نیز جای داد.

شرایط زمینه‌ای

تعیین یا تعریف شرایط زمینه‌ای و مؤثر بر اقدامات حفاظتی، مجموعه‌ای از روابط و شرایط حاکم بر آنها را هدف قرار داده است که در کنار شرایط علی - که دلایل و علت‌ها را مرور نمود - شرایط و تأثیرات محیط بر اقدام عملی را مطرح و ارائه می‌نماید. شرایط زمینه‌ای، مجموعه خاصی از شرایط بوده که در یک زمان و مکان خاص جمع آمده تا مجموعه مسائلی را به‌وجود آورند که اشخاص با عمل/تعامل خود در پی پاسخ به آنها هستند. این شرایط مشخص می‌کنند که چرا پدیده‌ای هم‌چون اقدام حفاظتی در برخی موارد بیشتر

توأمان با پی‌گیری مسیر دست‌یابی به نظام اقدامات، برگرفته از روش نظریه زمینه‌ای، بستری برای طرح مباحثی در ارتباط با فهم دلایل و علت‌ها فراهم شد که از مجموع آنها به "شرایط علی" یاد می‌شود. علی یا سبب‌ساز، معمولاً آن دسته رویدادها و وقایع هستند که بر پدیده‌ها اثر می‌گذارند، پایه‌های اولیه برای انجام یک عمل را ساخته و به وقایعی دلالت می‌کنند که به وقوع، رشد یا افول پدیده‌ای منتهی می‌شود (استراوس و کوربین، ۱۳۹۴: ۱۵۳) که با این تعبیر می‌توان گفت در بحث اقدامات انجام شده، این شرایط خواهند توانست مواردی که معماران به‌منظور آنها مداخلاتی در آثار موجب می‌شوند را ارائه نمایند^{۲۸}. البته پرداختن به شرایط علی بدون توجه به تمایز مابین دلیل^{۲۹} و علت^{۳۰} ممکن نیست؛ به‌طوری که هر کدام از آنها می‌توانند جنبه‌ها و شرایط متفاوتی را - که از تفاوت‌های مابین عالم انسان و عالم طبیعت یا علوم انسانی و علوم طبیعی منتج شده^{۳۱} - در بر گیرد و واجد روش متناسب خود باشد^{۳۲}. به‌بیان دیگر، در بحث شرایط علی تلاش بر این است که بدانیم انسان‌ها یا طبیعت، چرا و به چه ترتیبی دست به عمل یا واکنش می‌زنند و به چه موقعیت‌ها و مسائل یا اموری پاسخ یا واکنش نشان می‌دهند تا به راهبردهای عمل و تعامل برسند؛ البته آن‌چه بیشتر مورد توجه است بُعد انسانی و پاسخ به مسائل خواهد بود. در موضوع اقدامات حفاظتی، عامل انسانی مداخله (معمار)، محور اصلی اقدام و عمل است و از این منظر می‌توان اقدام حفاظتی را به‌عنوان بخشی از علوم اجتماعی^{۳۳} و علوم انسانی^{۳۴} در نظر گرفت و تأثیر و تأثرات متناسب با آن را مورد بحث قرار داد. معمار در فرآیند اقدام حفاظتی برای یک مسأله پاسخی اعمال می‌کند؛ پاسخی که عملی سنجیده و مسبوق به دلیل و اختیار است (سروش، ۱۳۶۷: ۵۸). این دلایل می‌توانند نگاه ارزشی و اعتقادی مردم و یا معمار نسبت به آثار و یا درک و شناختی باشند که معمار نسبت به مسأله یا موضوع دارد. از آنجا که هر اقدام حفاظتی با یک فرآیند شناخت، تشخیص و در نهایت اقدام صورت پذیرفته و در این فرآیند معمار نقش مستقیم دارد، پس عملی سنجیده و با تصمیم و اراده خواهد بود و می‌توان در نظر داشت که رویکردی دلیل‌گرایانه در اقدامات وجود داشته است.

هم‌چنین می‌توان اقدام عملی را از منظر علوم طبیعی^{۳۵} نیز مطالعه نمود؛ فرسایش‌های ناشی از شرایط اقلیمی، کاهش توان باربری و در نتیجه از بین رفتن کارکرد آثار معماری از یک طرف و عکس‌العمل رویدادهای طبیعی نسبت به آثار



تصویر ۲. شرایط علی (نگارندگان)

جدول ۳. نمونه‌هایی از موضوعات مورد بحث در مصاحبه‌ها

موضوع	نیاز تعمیرات منظم	مسائل عدم پایداری	پاسخ به نیازهای روز	شرایط اضطراری کالبد	باور و اعتقادات
نمونه متن مصاحبه	«... خانه آقای فروغ رو هم خودم تعمیر می‌کردم ... و الانم همون جور که تعمیر می‌کنن هست ...» «... ما چند مرتبه تعمیرش کردیم ...»	«...یک نفر ساعی شده بود که این آب‌انبار در شرف خراب شدن است، محکم کنید، محکم کردیم ...»	«... تغییری می‌خواستن تو خونه بدن ...» «... با خشت خام، باز دوباره با آجر، باز دوباره آهن مرسوم شد ...»	«... مسجد تو زلزله خراب شد همون آقای فروغ درست کردند ... سرخیرش شدند ...» «... اون ایوونهای بزرگ خراب شده بود اونا رو درستش کردیم ...»	«... من پیش از اون که برم به نظام نیت کرده بودم که برای پیر [مقبره پیر روستا] ده روز برم کار کنم ...» «... بلغور بدیم برای سلامتی ده که زلزله نیاد، گفتم بیا بریم، دور و بر پیر شیم، کار کنیم و درست کنیم ...»

(نگارندگان)

در بخش گذشته مرور شد و شرایط دخیل آنهایی هستند که شرایط علی را به‌نحوی تحت تأثیر و تغییر قرار داده و اکثراً برخاسته از اوضاع و احوال نامنتظره و اتفاقی هستند که لازم است با عمل-تعامل به آنها پاسخ داده شود (استراوس و کوربین، ۱۳۹۴: ۱۵۴). در حوزه مداخله علاوه بر تعریف موجود می‌توان از دو مؤلفه "موضوع مورد اقدام" و "عامل اقدام" یاد کرد. بدیهی است که از این بین، عامل، نقش تعیین‌کننده‌ای در اقدام عملی داشته و در نتیجه یکی از شرایط دخیل در مداخله است. همان‌طور که ارژمند و امین‌پور (۱۳۹۴) اشاره می‌کنند، با مرور نظریه‌های مرمتی می‌توان دریافت که در کلیه آنها موضوع مرمت همواره مورد توجه خاص بوده و به شخص مرمتگر توجه اندکی شده و بر ویژگی‌های فردی وی، منشأ صلاحیت و روش‌های معاشرت و توانایی درک و خوانش اثر، تأکید چندانی نشده است و همواره آن را مبتنی بر کسب تجربه و تحصیل مهارت، مفروض دانسته‌اند. منظری که نشان می‌دهد میزان توانایی، نوع تخصص، مرتبه و شیوه آموزش

و یا کمتر بوده، یا وقتی انجام شده و حتی وقتی انجام نشده است. از دیدگاه استراوس و کوربین (۱۳۹۴: ۱۵۴) این موارد که در شرایط علی و دخیل نیز تأثیر متقابل دارند، محصول چگونگی تلاقی آنها با یکدیگر هستند.

در موضوع اقدام عملی، با بررسی انجام‌شده بر روی داده‌ها مطابق با تصویر ۳، مشخص شد که بخش مهمی از جملات گدگذاری شده در حوزه "ارتباط جامعه و محیط" بر اقدام هستند. جامعه در بیشتر اوقات، مخاطبی خاموش و اثرپذیر تلقی می‌شود که اگر با هوشمندی معمار به مخاطبی اثرگذار و پرخروش تبدیل شود، راه را برای ارتقای مستمر و دائمی محیط زیست انسان‌ها فراهم می‌کند (ندیمی، ۱۳۸۶: ۱۲۹). اقدام مرمتی نیز به‌عنوان یک عمل حفاظتی در بستر جامعه شکل گرفته و بالطبع از شرایط و عناصر جامعه (مردم) تأثیر پذیرفته است. روابط بین جامعه و معماری بسته به موضوع این نوشتار تحت عنوان مردم‌شناسی فرهنگی^{۳۹} امروزه نیز مورد بحث بوده و موجب هویداشدن پیوندهای بین بومیان و کالبدهای تاریخی بازمانده می‌شود که ویژگی‌های انسان‌هایی که در درون و یا در مجاورت بناها و محوطه‌ها زندگی می‌کنند در آن هویدا است (فتحی، ۱۳۸۲: ۱۰۴-۹۹؛ فلامکی، ۱۳۸۳: ۱۶۰-۱۵۶). در این بررسی نیز مباحث مرتبط با جامعه و اقدام عملی که در قالب گدهای استخراج‌شده دیده می‌شوند، از ۴ منظر (تغییر در مصالح و شیوه معماری، ارزش و باور، هنجارها، مسائل و محدودیت‌ها) در مفاهیم آشکار هستند (جدول ۴).

شرایط دخیل (میانجی)

علت‌ها و دلایل مرور شده در بخش ابتدایی در فرآیند اقدام، تحت تأثیر شرایط زمینه‌ای و هم‌چنین شرایط دخیل می‌توانند منجر به فراز و فرودهایی شوند. شرایط زمینه‌ای



تصویر ۳. شرایط متکی بر زمینه (نگارندگان)

موضوع	تغییر در مصالح و شیوه معماری	ارزش و باور	هنجارها	مسائل و محدودیت‌ها
نمونه متن مصاحبه	«... از زمانی که اجر اومد دیگه ما با خشت خام کار نکردیم ...» «... برای تعمیر دیوارای خشتی بعدها از آجرهایی که به قدر خشت چهار گوش بود استفاده می کردیم ...»	«... این مسجد جامع قدیمی‌ها می گفتند که امام حسن مجتبی اومده اینجا ...» «... این مسجد، مسجدی نیست که در یادبود ماها باشه [تاریخ] ...»	«... اون زمان چهار روز شما می اومدین، پنج روز من می اومدم، کاه گل می کردیم ...» «... خشت مال‌ها قالب‌هاشون رو تحویل می گرفتن؛ هر جا رسید نمی انداختن ... تو آفتاب نمی انداختن ...»	«... اون زمان آهک به اون صورت که الان هست نبود ...» «... مثل الان وسایل نبود، چوب بست و داربست و اینها نبود ...»

(نگارندگان)

گرفته می‌شود. مردم، سازمان‌ها، جوامع یا ملت‌ها در رفتار یا گفتار عادی خود، تاکتیک‌ها یا رفتارهای عادی دارند، اما عمل-تعامل‌های راهبردی، کنش‌هایی با منظور بوده که برای حل یک مسأله صورت می‌گیرند و با صورت گرفتن آنها، پدیده شکل می‌گیرد. هم‌چنین عمل-تعامل‌ها نزد افرادی که به صورت گروه عمل کرده، می‌توانند در هماهنگی با یکدیگر باشند یا نباشند. هم‌چنین در طول زمان این عمل-تعامل‌ها در اثر تعریف و معنایی که افراد به موقعیت‌ها می‌دهند، تحول می‌یابند (استراوس و کوربین، ۱۳۹۴: ۱۵۵ و ۱۵۶). در حقیقت، چگونگی برخورد با مسائل از نگاه عملی را می‌توان در این راهبردها بحث نمود.

در حوزه حفاظت نیز در باب چگونگی برخورد معماران با مسائل مرتبط با آثار تاریخی، روش‌های مداخلاتی متنوعی مد نظر قرار گرفته‌اند. این موارد که تحت عنوان راهبردهای عمل و تعامل در این بخش ارائه شده، در جهت پاسخ به شرایط علی و با بهره‌گیری از انواع درجات مداخله، مد نظر قرار گرفته‌اند. در حالی که در ساختار امروز حفاظت ممکن است گروهی از این درجات، پسندیده و گروهی ناپسند شمرده شوند، اما به نظر می‌رسد در گذشته مورد کاربرد بوده و مورد شناخت معماران گذشته بوده‌اند. با توجه به نگرش حفاظتی معمار سنتی، ارزش‌گذاری این درجات مداخله، متفاوت و استراتژی‌های برگزیده شده در پاسخ به یک مسأله، بسته به شرایط و موقعیت، انتخاب یکی از این درجات خواهند بود. در این باب که در «عمل»، کدام‌یک از این موارد برگزیده شود و مورد استفاده قرار گیرد، بسته به «تجربه»، «قدرت خلاقیت»، «ریسک‌پذیری» و «تصمیم‌گیری» معمار، متفاوت خواهد بود (مواردی که در بخش گذشته نیز درباره آنها بحث شد). همین موضوع موجب می‌شود بتوان با بررسی اقدامات انجام‌شده و بررسی کدهای حاصل از گفتگوها، گروهی از

عامل اقدام بدون شک از موارد دخیل در مداخله خواهد بود و به تبع تغییر و تفاوت در آنها، تفاوت در نوع اقدام و چگونگی برخورد نهایی را در پی خواهد داشت.

انجام عمل حفاظتی به واسطه معمار بومی صورت می‌گیرد و آن‌چه در فرآیند عمل مد نظر است، وابسته به شخص مجری خواهد بود. بررسی‌های این پژوهش نیز نشان می‌دهند مجری اقدام حفاظتی در فرآیند اقدام دارای ویژگی‌هایی است که هر کدام می‌توانند دخیل در مداخله و یا موجب تغییراتی در آن شوند. بررسی کدهای استخراج‌شده نشان می‌دهند این موارد از سه منظر شاخص هستند: تجربه و تخصص، مراتب معماران و انگیزه و یادگیری. تجربه به‌عنوان دانش عملی، مهارت یا عمل به‌دست آمده از مشاهده مستقیم و یا مشارکت در رخدادها و فعالیت‌های خاص شناخته می‌شود و وقتی با رویکردی اختصاصی و متمرکز بر موضوعی خاص باشد، به تدریج تخصص را ایجاد خواهد نمود. این تجربه و تخصص، به مباحث مرتبط با خلاقیت، بالارفتن قدرت تصمیم‌گیری و ارائه تمهید و هم‌چنین ارزیابی معمار اشاره دارد. مراتب معماران نیز موجب تفاوت در نظر و دیدگاه آنها شده و نشان می‌دهد رسیدن به مراتب از شاگردی کردن آغاز و تا اهلیت معمار پیش می‌رود؛ مواردی که هم‌ارز با ارزیابی و اعتماد معمار نیز هستند. در باب انگیزه و یادگیری نیز دو موضوع علاقه به فراگیری و شیوه آموختن، شاخص بوده و در اقدامات تأثیرگذار خواهند بود. یادگیری از طریق مشاهده و یادگیری از طریق انجام دادن کار، مواردی است که در این بین مورد توجه هستند.

عمل-تعامل‌ها

اصطلاح عمل-تعامل یا کنش-کنش متقابل، غالباً برای روش‌ها و طرز عمل‌های عادی و چگونگی مدیریت موقعیت‌ها توسط افراد در مواجهه با مسائل و امور (راه‌های چاره) به کار



پیامدها و نتایج

هر جا انجام یا عدم انجام عمل-تعامل معینی در پاسخ به امر یا مسأله‌ای یا به‌منظور اداره یا حفظ موقعیتی از سوی فرد یا افرادی انتخاب شود، پیامدهایی پدید می‌آیند؛ برخی از این پیامدها خواسته (اهداف برنامه‌ریزی شده) و برخی ناخواسته (ضرر یا فایده غیرمترقبه و یا هدف منحرف‌شده)^۴ هستند. پیامدها نیز مانند دیگر شرایط مرور شده، ویژگی‌های ذاتی خود را داشته و می‌توانند یکی (البته به‌ندرت) و یا بسیار باشند، کوتاه‌مدت باشند یا درازمدت، یا هم‌چنین برای شخص مشهود، اما از دید دیگران پنهان باشند. پیامدها می‌توانند فوری یا تدریجی باشند، بازگشت‌پذیر یا بی‌بازگشت باشند، قابل پیش‌بینی یا پیش‌بینی‌ناپذیر باشند، اثرشان می‌تواند کم‌دامنه (فقط بر روی بخش کوچکی از موقعیت اثر بگذارند) یا گسترده باشد به‌صورتی که پیامدها از یکدیگر زاده شوند و زنجیره وقایعی را بیافرینند که کل زمینه را عوض کند (استراوس و کوربین، ۱۳۹۴: ۱۵۶ و ۱۵۷). پیامدها در تمام موضوعات وجود دارند و در اقدامات حفاظتی نیز مابهازا خواهند داشت و در مقام تحلیل، هدف آن است که این پیامدها هر چه بیشتر شناخته، دریافته و تحلیل و تفسیر شوند.

در خلال بررسی‌های مرتبط با اقدامات حفاظتی، هدف‌های خواسته و این‌که با چه انگیزه‌هایی این اقدامات صورت می‌پذیرفته یا تفسیر نتایجی که انتظار می‌رفته از این اقدامات حاصل شوند چه بوده است، یکی از مهم‌ترین دسته‌گدهای استخراج شده هستند. آن‌چه در این قالب در **تصویر ۵** نیز آمده است، دو رویکرد شاخص را نشان می‌دهد که یا در جهت تداوم کارکرد (عملکرد) و یا حفظ پایداری (سازه و کالبد)، صورت پذیرفته‌اند (**جدول ۶**). آثار معماری و علی‌الخصوص بناهای عام‌المنفعه که بخش مهمی از اقدامات انجام‌شده توسط معماران بومی در آنها صورت پذیرفته‌اند، هم‌چون یک تکلیف و عرف لازم بوده است تا آباد بماند (امین‌پور و همکاران، ۱۳۹۲) و به‌همین منظور تلاش شده تا بخش کارکرد و عملکرد در کنار کالبد در آنها همواره مد نظر

این درجات مداخله که در موقعیت‌های مختلف استفاده شده‌اند را در نظر داشت. همان‌طور که در **تصویر ۴** نیز ارائه شده است، تعمیر، نو ساختن، به‌روز رسانی و دوباره ساختن، مباحثی بوده که به‌عنوان این درجات مد نظر معماران بومی قرار گرفته‌اند (**جدول ۵**). این راه‌حل‌ها به‌نوعی تمهیدی برای حفظ اصول و باورهایی هستند که تحت عنوان ارزش‌های معماری می‌شناسیم و معماران سنتی تلاش داشته‌اند تا آنها را حفظ کنند. هم‌چنین این موارد دارای سطوح متفاوتی بوده که بسته به شرایط انتخاب می‌شوند و به‌ترتیب با تعمیر، به‌روز رسانی، نو ساختن و در نهایت با دوباره ساختن، مورد توجه معماران بومی قرار گرفته‌اند.



تصویر ۴. راهبردهای عمل-تعامل (نگارندگان)

جدول ۵. نمونه‌هایی از موضوعات مورد بحث در مصاحبه‌ها

موضوع	تعمیر	نو کردن	به‌روز رسانی	دوباره ساختن
نمونه متن مصاحبه	«... کارمون همین کارای تعمیرکاری بود...» «... کارای تعمیری مثل مسجد جامع...»	«... دیواراش گچ نبود، ما رفتیم دیگه گچ کردیم...» «... یک بار شاگرد آقای آذری بودم ایوون مسجد رو سفید کردم با گچ...»	«درخت گردو رو کردند و اون صوفه رو خرابش کردند، مسجد رو وسیع کردند...» «... زیادش کرد، کوچک بود بزرگترش کرد...»	«... خانه‌ها همچین که کمی خراب می‌شد، تخریب می‌کردن و می‌ساختند...» «... مسجد قدیمی بود که باز جدیدش کردند...»

(نگارندگان)



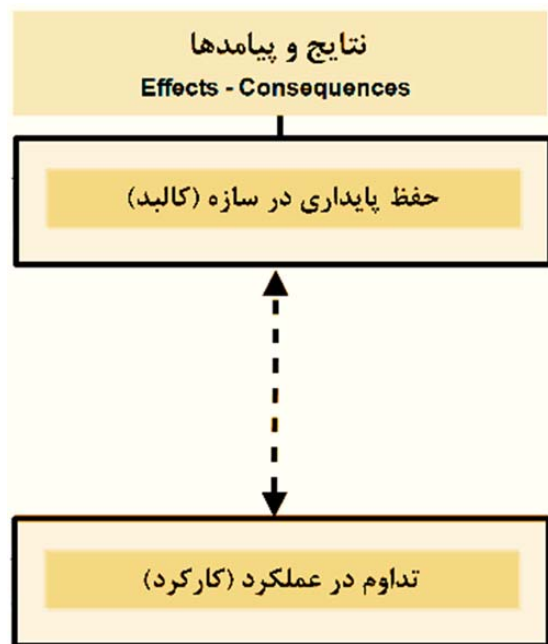
که برای اقدام عملی وجود داشته (شرایط علی) و در جهت پاسخ و حل آنها، راهبرد یا روش‌هایی را مد نظر داشته‌اند که تحت عنوان عمل و تعامل از آنها یاد شد. مجموع شرایط علی، شرایط زمینه‌ای و دخیل (مجری اقدام حفاظتی)، مواردی بوده که در انتخاب روش برخورد متناسب، مؤثر بوده‌اند. می‌توان گفت این روش‌های برخورد، در پاسخ به شرایط علی شکل گرفته و تحت تأثیر شرایط زمینه و دخیل، تغییراتی را نیز با خود به‌همراه داشته‌اند. از طرفی، به‌دلیل این که ذهنیات و افکار معمار و اجراکننده (معماران بومی در این مطالعه) نمی‌تواند نادیده انگاشته شود، شخص معمار و ذهنیات وی بر این شرایط علی و انتخاب روش برخورد، تأثیر گذاشته و بخشی از تصمیم‌گیری برای روش برخورد انتخابی به نظر شخصی، تجربه و تخصص وی وابسته بوده است. آن چه تحت عنوان پیامدها و با دو عنوان «تداوم در عملکرد» و «حفظ پایداری در سازه» بحث شد، نیز مواردی هستند که معمار به‌عنوان نتیجه از اقدامات انتظار داشته است. رابطه بین این دو مورد با راهبردها نشان می‌دهد ارتباط معناداری بین این دو (راهبردها و پیامدها) وجود دارد.

برای نیل به «تداوم عملکرد»، معماران اغلب از دو روش «به‌روز رسانی» و «دوباره ساختن» بهره گرفته‌اند و در راستای نائل شدن به «حفظ پایداری در سازه»، از «تعمیر» که به‌صورت دوره‌ای انجام می‌پذیرفته است، بهره برده‌اند. بحث «نو کردن» نیز نتایجی از هر دو نوع (عملکرد و ساختار) را در نظر داشته است. این ساختار که در تصویر ۶ ارائه شده، یک نظام و سامانه منظم در اقدامات حفاظتی را نشان می‌دهد که می‌تواند شرایط و عوامل مؤثر اولیه بر یک اقدام حفاظتی را ارائه نماید. همچنین مجموع آنها می‌توانند به‌عنوان جنبه‌های تأثیرگذار در تصمیم و اقدام عملی، مورد توجه باشند. علاوه بر آن چه با عنوان این نظام معرفی شد، تکمیل مباحث ارائه‌شده با نمونه‌ها و مصداق‌های موردی در مصاحبه نیز در متن مرور شد تا ارتباط ملموس‌تری با منطقه مورد مطالعه و مصاحبه‌ها صورت پذیرد.

باشد. البته لازم به‌ذکر است در بُعد پیامدهای مداخله، موارد دیگری مثل توسعه و گسترش آثار نیز ممکن است به‌عنوان پیامد به‌نظر برسند ولی اگر به‌دقت در اهداف آن بنگریم، حفظ همان عملکرد و کارکرد اثر مد نظر بوده که با راهبرد گسترش و توسعه، تلاش شده مهیا شود (در بخش گذشته تحت عنوان به‌روز رسانی و انطباق از این موضوع یاد شد).

نظام حاکم بر یک اقدام حفاظتی از منظر معماران بومی

مباحث مرتبط با اقدامات یا مداخلات که در قالب این مقاله مرور شد، با تجزیه و تحلیل داده‌ها، یک نظام در اقدامات حفاظتی را شناسایی نموده که توسط معماران به‌کار گرفته می‌شده است؛ نظامی هدف‌دار مبتنی بر پنج دسته، که از شرایط علی، دخیل و مبتنی بر زمینه (میانجی) آغاز و با بهره‌گیری از راهبردها برای رسیدن به پیامدها شکل می‌گرفته است. در نتیجه، معماران بومی با توجه به علت‌ها و دلایلی

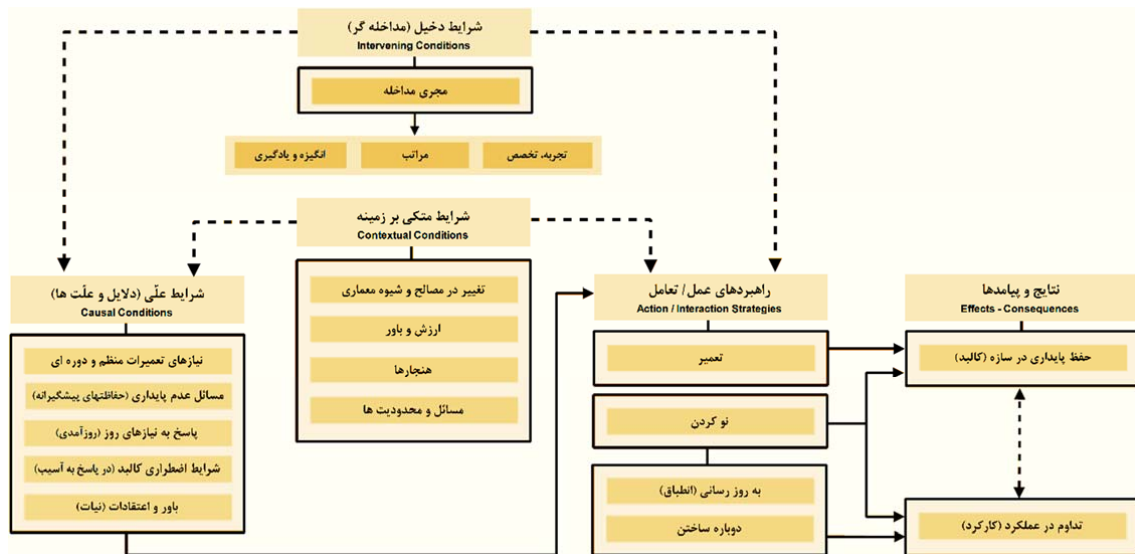


تصویر ۵. نتایج و پیامدها (نگارندگان)

جدول ۶. نمونه‌هایی از موضوعات مورد بحث در مصاحبه‌ها

موضوع	تداوم در عملکرد	حفظ پایداری در سازه
نمونه متن مصاحبه	«مسجد رقه پیش از این دارای عناصری بوده که در پی مداخلات صورت پذیرفته از بین رفته‌اند» و بدون توجه به ساخت دوباره یا حفظ باقیمانده‌های آن کلیت ساختار مسجد پابرجا مانده است (م ۳، وفائی، ۹۴۰۵۲۴) تا عملکرد مسجد حفظ شود.	«... بعضی وقت‌ها در هر دو رجش یک رج رو با گچ کار می‌کردند که مستحکم باشه» «... در هر جا سؤال کنید استاد عبدالله خاکسار برای محکم‌کاری پیدا نمی‌شه ...»

(نگارندگان)



تصویر ۶. نظام مداخلات حفاظتی معماران بومی در میراث معماری (نگارندگان)

بحث (حفاظت در عمل از نگاه معمار بومی)

علاوه بر آن چه به‌عنوان نظام حاکم بر اقدام حفاظتی از این مطالعه استنتاج شد، می‌تواند معرف تصویری باشد که از موضوع حفاظت و مرمت و برخوردهای حفاظتی با اثر با ارزش میراثی وجود داشته است؛ هم‌چنین خواهد توانست قرابت‌ها و تفاوت‌های بین نظام اقدامات حفاظتی و مرمتی گذشته و آن چه امروز در موضوع حفاظت ارائه می‌شود را مشخص تر نماید. هم‌چنین این موضوع در قالب تفاوت بین فکر و عمل حفاظت، قابل توجه است. به‌نظر می‌رسد مجری حفاظت با این که همراه با یک نظام تئوری عمل می‌کرده، کمتر توانسته از آن بهره بگیرد و بیشتر مجموعه عواملی که بر یک اقدام مؤثر بوده، در تصمیم و اجرای عمل نقش دارند. علت‌ها و شرایط زمینه، مواردی هستند که بسته به شرایط برای هر اقدام حفاظتی وجود خواهند داشت و هیچ اقدامی بدون آنها چه در گذشته و چه امروز شکل نمی‌گیرد؛ مواردی که در برخی مواقع خود موجب تغییرات اساسی در فرآیند یک عمل حفاظتی نیز خواهند شد. به‌بیان دیگر، هیچ‌گاه معمار در محیط بومی در عمل با تمام ایده‌آل‌ها تصمیم نمی‌گیرد و یا می‌توان گفت نمی‌تواند تصمیم بگیرد؛ زیرا با توجه به نتایج به‌نظر می‌رسد، انتظاری که در جامعه گذشته از معمار بوده در جهت تئوری امروز حفاظت نیست. جامعه گذشته نه تنها کمتر انتظار حفظ و ارتقای ارزش‌های اثر ارزشمند را از مجری عمل دارد، بلکه تداوم عملکرد و یا استفاده مداوم از اثر و یا استحکام سازه برای مردم گذشته بیشتر قابل تأکید و توجه است. لذا به‌روز رسانی و تخریب برای ساختن

اثر معماری جدید بر روی بقایای معماری تاریخی، نیز از نظر آنها ارزشمند انگاشته می‌شود؛ زیرا از نگاهی متفاوت و مثبت، اثر معماری تبدیل به بهتر شده است، نه این که دیگر این اثر آن ویژگی‌های معماری و تاریخی گذشته را با ایجاد سازه جدید و یا توسعه ساختار معماری از بین برده باشد.

همین نگاه موجب می‌شود که امروزه نیز در بطن جامعه و به‌خصوص در مناطق روستایی، موضوع میراث فرهنگی، برخی مواقع در حاشیه قرار گیرد. با توجه به نتایج حاصل از این مطالعه به‌نظر می‌رسد، این موضوع به تصور افراد علی‌الخصوص در مناطق روستایی مرتبط باشد. با توجه به برداشت اولیه از نتایج به‌نظر می‌رسد، تصور افراد از محیط برخواسته و با توجه به شرایط و نیازهای آن جامعه شکل می‌گیرد تا این که به درک اهمیت و ارزش میراث فرهنگی توجه داشته باشد. وقتی شرایط زمینه در یک جامعه و هنجارها و باورهای آن، اولویت اول اقدام است و این هنجارها و باورها موضوع میراث فرهنگی را با آن چه امروزه از آن تعریف می‌شود متفاوت می‌پندارند، نمی‌توان انتظار داشت چه مردم و چه حتی معماران بومی که تنها مجری عمل بوده بتوانند اقدامی همسان با نگاه حفاظت امروز شکل دهند. این تصور متفاوت از موضوع اقدام حفاظتی در بین دو گروه نظریه‌پردازان و محققین و در طرف دیگر معماران و مردم بومی، تناقض نگاه را نشان می‌دهد، اگر چه شاید اشتراکاتی نیز در آنها دیده شود. این موضوع، ضرورت آموزش و ترویج موضوعات مرتبط با میراث فرهنگی را در بین مردم (علی‌الخصوص در محیط‌های کوچک‌تر روستایی) در اولویت اول قرار می‌دهد تا در قدم بعدی بتواند در عمل حفاظت مؤثر باشد؛ موضوعی که تا کنون مغفول مانده است.



نتیجه‌گیری

نظام و نگاه حاکم بر یک اقدام حفاظتی با بهره‌گیری از دانش ضمنی معماران در جنوب خراسان، به‌عنوان موضوع و مسأله پژوهش در این مطالعه مورد توجه است. این پژوهش که برخواسته از مصاحبه و مطالعه میدانی بوده، شرایط پیرامونی و نظام حاکم بر اقدامات را به‌عنوان هدف دنبال کرده است. خروجی‌های اولیه نشان داد که جامعه و محیط به‌عنوان شرایط زمینه موضوعی مؤثر بر اقدام عملی هستند و از این‌رو به‌عنوان تفکر حاکم، بخشی نیز به تحلیل تأثیر متقابل تفکر حاکم بر اقدام حفاظتی پرداخته شد. در مجموع از نگاه معماران بومی، مجموعه‌ای از علت‌ها و دلایلی که برای اقدام مرمتی وجود داشت، تحت عنوان شرایط علی (نیازهای تعمیرات منظم و دوره‌ای، مسائل عدم پایداری، پاسخ به نیازهای روز، شرایط اضطراری کالبد و باور و اعتقادات) از آنها نام برده شد. مجموع این شرایط علی تحت تأثیر شرایط زمینه (تغییر در مصالح و شیوه معماری، ارزش و باور، هنجارها و مسائل و محدودیت‌ها) و دخیل (مجری اقدام مرمتی) قرار داشته و این شرایط نیز در انتخاب روش برخورد متناسب، مؤثر بوده‌اند. این عوامل مؤثر، تفکر حاکم بر یک اقدام حفاظتی را نیز شکل می‌دهند که قبلاً درباره آن بحث شده است.

۸۱

به‌دلیل این‌که ذهنیات و افکار معمار و مجری اقدام حفاظتی (معماران بومی در این مطالعه) نمی‌تواند نادیده انگاشته شود، شخص معمار و ذهنیات وی بر این شرایط علی و انتخاب روش برخورد، تأثیر گذاشته‌اند. در این راستا، بخشی از تصمیم‌گیری برای علت مداخله یا روش انتخابی علاوه بر این‌که به نظر شخصی معمار وابسته بوده، تحت تأثیر مستقیم شرایط جامعه نیز بوده و تفکر حاکم، بخش مهمی از فرآیند اقدام را تحت تأثیر قرار داده است. در تکمیل این نظام برخورد و با توجه به سؤالات پژوهش، تعمیر، نو کردن، به‌روز رسانی و دوباره ساختن در پاسخ به شرایط پیرامونی به‌عنوان راهبرد عملی، مورد توجه معماران قرار گرفته که تحت تأثیر شرایط زمینه و دخیل و بسته به آنها، تغییراتی را نیز با خود به‌همراه داشته‌اند. انتخاب این روش برخوردها بسته به موضوع تحت اقدام، تفاوت‌هایی را با خود به‌همراه داشته است. آنچه تحت عنوان پیامدها و با دو عنوان "تداوم در عملکرد" و "حفظ پایداری در سازه" بحث شد، نیز مواردی هستند که به‌عنوان نتیجه در اقدامات مد نظر قرار گرفته‌اند. رابطه بین این دو هدف با راهبردها نشان می‌دهد ارتباط معناداری بین این دو (راهبردها و پیامدها) وجود دارد؛ زیرا برای نیل به "تداوم عملکرد"، معماران اغلب از دو روش "به‌روز رسانی" و "دوباره ساختن" بهره گرفته و در راستای نائل شدن به "حفظ پایداری در سازه"، نیز از "تعمیر" که به‌صورت دوره‌ای انجام می‌پذیرفته، بهره برده‌اند. بحث "نو کردن" نیز نتایجی از هر دو نوع (عملکرد و ساختار) را در نظر داشته است.

یافته‌های حاصل با توجه به برداشت آنها از دانش ضمنی معماران در ساده‌ترین حالت، مبتنی بر حفاظت بومی است و از طرفی، بر یک عمل برخواسته از تفکر حاکم تأثیر خواهد گذاشت. علاوه بر این، اهمیت نظام فکری از آنجا که می‌تواند در مقام ارزیابی از اقدامات انجام‌شده و شناسایی علت‌ها، راهبردها و یا عوامل محیطی مؤثر در یک تصمیم مرجعی مناسب باشد، نیز قابل توجه است. این مفاهیم اولیه با مقایسه و ترکیب با یکدیگر، می‌توانند مفاهیم ارتقا یافته‌ای را شکل دهند که هم از نظر بار مفهومی و هم دست‌یابی به سطوح بالاتری از بینش معماران گذشته قابل استناد هستند. این قیاس می‌تواند نسبت به پژوهش‌های نظری حوزه حفاظت و مرمت نیز مد نظر و جنبه‌های جدیدی از موضوع را ارائه نماید.

پی‌نوشت

- از منظر مدیریت دانش، معمول‌ترین تقسیم‌بندی ارائه‌شده از دانش، دسته‌بندی آن به دو گروه دانش صریح یا آشکار (Explicit Knowledge) و ضمنی یا پنهان (Tacit Knowledge) است که از تعریف نوناکا و تاکئوچی گرفته شده است (Nonaka & Takeuchi, 2000: 181).

- Paradigm
- Theoretical sampling / Purposive sampling (Judgmental sampling)

۴. استفاده از واژه نظام فکری علاوه بر بررسی نظام ذهنی انسان‌ها (معماران)، بدین دلیل بوده که در روش نظریه زمینه‌ای (Grounded theory) از این تحلیل تحت عنوان پارادایم یاد شده است؛ برای نمونه نگاه کنید به (Strauss & Corbin, 1998: 123 & 127-142).
۵. منظور، مباحثی است که در نیمه قرن بیستم توسط برتالانفی (Ludwing Von Bertalanffy)، تحت عنوان نظریه سیستمی یا سامانه‌ای (General System Theory) ارائه شد و در راستای آن در حوزه معماری نیز از این سامانه‌ها و چهار سامانه ایجادگر یک اثر معماری بحث شد. در پژوهش‌های تکمیلی مفصلاً به ارتباط این موضوع و تحلیل و بررسی انجام شده در این مقاله پرداخته خواهد شد.
6. Grounded Theory
۷. این فرآیند با کدگذاری در نرم‌افزار Maxqda نسخه ۱۰ انجام پذیرفته است.
۸. نسخه کامل **جدول** مذکور که حاوی تمام کدها و دسته‌بندی‌ها می‌باشد، در قالب پیوست ۷ رساله دکتری نگارنده اول آمده است.
9. Sub-Categories
10. Axial Coding
۱۱. والیمان (Walliman, 2006: 137) این نظام را تحت عنوان یک شبکه در قالب شرایط ارائه می‌کند و از آن برای آزمایش و نمایش رابطه‌های علی بین متغیرهای اصلی (Important Independent) و متغیرهای وابسته (Dependent Variables)، علت‌ها (Causes) و نتایج (Effects) استفاده نموده است. برچسب‌هایی مثل علی (Causal Conditions)، دخیل (Intervening Conditions) و متکی بر زمینه (Contextual Conditions) که می‌توان برای این شرایط در نظر گرفت، بدین منظور است که تناسب و روابط بین آنها را با راهبردهای عمل-تعامل (Action/ Interaction Strategies) منظم نمایند. هم‌چنین هر جا عمل-تعامل معینی در پاسخ به امر یا مسأله‌ای یا به‌منظور اداره یا حفظ موقعیتی از سوی فرد یا افرادی انتخاب شود، پیامدها (Consequences) پدید خواهند آمد (Strauss & Corbin, 1998: 131-134).
12. Paradigm
13. Eugène Emmanuel Viollet-le-Duc
14. John Ruskin
15. Camillo Boito
16. Luca Beltrami
۱۷. برای نمونه نگاه کنید به (ICOMOS, 1993; ICOMOS A, 1999; ICOMOS, 2003).
۱۸. برای نمونه‌ای از تعاریف متنوع حفاظت نگاه کنید به (ICOMOS B, 1999) و هم‌چنین (فیلدن و یوکیلهتو، ۱۳۸۶: ۸۳).
19. Environmental control
20. Maintenance
21. Repair
22. Restoration
23. Renovation
24. Rehabilitation
25. Decision
26. Selection
27. Responsibility
۲۸. لازم به توضیح است دغدغه ما در مقام تحلیلگر، در پی نفس مفهوم علیت نیست، بلکه در پی دریافت شرایط و اشکال تلاقی این علت‌ها برای خلق وضعیت‌هایی است که به عمل/تعامل (در راستای عمل مداخله) می‌انجامند.
29. Reason
30. Cause
۳۱. فرق بین دلیل (علوم اجتماعی) و علت (علوم طبیعی) عبارت از این است که انسان موجودی است که به اندیشه‌های اخلاقی و حقوقی فلسفی خویش عمل کرده و به حوادث پاسخ می‌دهد (Response)؛ در حالی که طبیعت به داعی فلسفه یا اخلاق یا حقوق و امثال آنها عمل نمی‌کند، بلکه به‌طور ناخواسته تحت تأثیر علتی قرار گرفته و واکنشی (Reaction) نشان می‌دهد (سروش، ۱۳۶۷: ۵۸-۵۵).
۳۲. در شناخت پدیده‌های طبیعی، روش علت‌گرایی و در تحقیق از واقعیت‌های اجتماعی، روش دلیل‌گرایی به کار گرفته می‌شود. البته در این باب اختلاف نظرهایی بین محققین نیز وجود دارد؛ برای اطلاعات بیشتر در این زمینه نگاه کنید به (آقانظری، ۱۳۹۳: ۱۶۰-۱۵۴).
33. Social Science



34. Humanities
35. Natural Science
36. Functional
37. Religious
38. Structural
39. Anthropology

۴۰. در علوم اجتماعی، عواقب ناخواسته یا پیش‌بینی‌نشده (unintended consequences)، پیشامدهایی هستند که مقصود از یک اقدام هدفمند نبوده‌اند. این لفظ در قرن بیستم توسط رابرت مرتون (Robert K. Merton) جامعه‌شناس آمریکایی ترویج شد.

منابع و مأخذ

- آقانظری، حسن. (۱۳۹۳). علت و دلیل در علوم اجتماعی. روش‌شناسی علوم انسانی، ۲۰(۸۱)، ۱۶۲-۱۵۱.
- ارژمند، محمود و امین‌پور، احمد. (۱۳۹۴). نقش مرمتگر در مرمت ابنیه حوزه فرهنگ و تمدن اسلامی تأملی بر مبانی رویکردهای مرمتی در دانش مرمت بر اساس عامل انسانی مرمت. مجله پژوهش‌های معماری اسلامی، ۳(۴)، ۹۸-۱۱۰.
- استراوس، انسلم ال و کوربین، جولیت ام. (۱۳۹۴). مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای. ترجمه ابراهیم افشار، چاپ چهارم، تهران: نی.
- امین‌پور، احمد؛ اولیا، محمدرضا؛ عباسی هرفته، محسن و کلانتری، مائده. (۱۳۹۲). تداوم کارکرد؛ رویکرد غالب مداخلات حفاظتی در مسجد جامع اصفهان، گونه‌شناسی و تبیین رویکرد مداخلات حفاظتی از ابتدای شکل‌گیری مسجد تا دوره قاجار. مرمت و معماری ایران، ۳(۶)، ۲۷-۴۰.
- براندی، چزاره. (۱۳۸۷). تئوری مرمت. ترجمه پیروز حناچی، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.
- حجت، عیسی و طایفه، احسان. (۱۳۹۱). معماری در دل ماست. چاپ اول، تهران: علم معمار رویال.
- حجت، مهدی. (۱۳۸۰). میراث فرهنگی در ایران، سیاست‌ها برای یک کشور اسلامی. چاپ اول، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (معاونت معرفی و آموزش).
- رحیم‌نیا، رضا؛ زمانی‌فرد، علی و قرائتی، مهران. (۱۳۹۶). بررسی تاریخی و تبیین جایگاه حرفه‌ای و نقش معماران سنتی در فرآیند تحولات معماری و مرمت با تکیه بر منابع مکتوب. مرمت و معماری ایران، ۷(۱۳)، ۱۹-۳۴.
- رحیم‌نیا، رضا. (۱۳۹۵). دانش معماران بومی در حفاظت از معماری؛ زمینه‌ها و عوامل مؤثر بر مداخله در معماری خاکی از منظر معماران بومی در جنوب خراسان. رساله دکتری مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی. اصفهان، دانشگاه هنر اصفهان.
- رحیم‌نیا، رضا؛ محمودزاده، امین؛ تهرانی، فرهاد و زمانی‌فرد، علی. (۱۳۹۲). بازشناخت تجربیات معماری بومی در جنوب خراسان، جهت حفاظت و مرمت معماری خشتی. مسکن و محیط روستا، ۳۲(۱۴۲)، ۱۹-۳۲.
- سروش، عبدالکریم. (۱۳۶۷). علت و دلیل در علوم اجتماعی. مطالعات جامعه‌شناختی، ۱(۱)، ۵۳-۷۲.
- صفائی‌پور، هادی. (۱۳۹۴). روش‌شناسی فهم و تبیین مراجع طراحی معماران سنتی معاصر ایران. رساله دکتری معماری. تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- عباسی هرفته، محسن. (۱۳۹۲). تبیین سنت حفاظت در مسجد جامع اصفهان، انشای اصول مداخلات حفاظتی با تکیه بر شواهد سنت مداخله در این مسجد. رساله دکتری مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی. اصفهان، دانشگاه هنر اصفهان.
- فتحی، حسن. (۱۳۸۲). ساختمان‌سازی با مردم. ترجمه علی اشرفی، چاپ دوم، تهران: دانشگاه هنر.
- فلامکی، محمد منصور. (۱۳۸۳). باززنده‌سازی بناها و شهرهای تاریخی. چاپ پنجم، تهران: دانشگاه تهران.
- فیلدن، برنارد ملشیور و یوکیلهتو، یوکا. (۱۳۸۶). راهنمای مدیریت برای محوطه‌های میراث جهانی. ترجمه پیروز حناچی، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.
- کشاورز، محسن. (۱۳۸۷). پیشینه آموزش مرمت معماری در ایران. گلستان هنر، سال چهارم(۱۱)، ۳۳-۳۸.
- ندیمی، هادی. (۱۳۸۶). کلک دوست: ۱۰ مقاله در هنر و معماری. چاپ اول، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.



- Andjomshoaa, A.; Islami, S. G. & Mokhtabad-Amrei, S. M. (2011). Application of Constructivist Educational Theory in providing Tacit Knowledge and Pedagogical Efficacy in Architectural Design Education: A Case Study of an Architecture school in Iran. **Life Science Journal**, 8(1), 213-233.
- Baglioni, E.; Mecca, S.; Rovero, L. & Tonietti, U. (2013). Traditional Building Techniques of the Drâa Valley (Morocco). **digitAR - Digital Journal of Archaeology, Architecture and Arts**, 1(1), 79-87.
- Canada, P. (2003). **Standards and Guidelines for the Conservation of Historic Places in Canada**. <http://www.pc.gc.ca/docs/pc/guide/nldclpc-sgchpc.aspx>. (Retrieved 7 November. 2014)
- Castellanos-Verdugo, M.; Caro-González, F. J.; Oviedo-Garcia, M.; Richards, G. & Munsters, W. (2010). An application of grounded theory to cultural tourism research: Resident attitudes to tourism activity in Santiponce. **Cultural Tourism Research Methods**. UK: CAB International. 115-128.
- Cirinnà, C.; Mecca, S. & Maserà, M. (2006). (An ontology for the knowledge management of earthen constructions :the mix design of adobes. **Construction in the XXI century: Local and Global Challenges Joint International Symposium of Cib Working Commissions**. Rome. 12-22.
- Correia, M. (2009). **Conservation Intervention in Earthen Heritage :Assessment and Significance of Failure, Criteria, Conservation Theory and Strategies**. UK: Oxford Brookes University.
- Daengbuppha, J.; Hemmington, N. & Wilkes, K. (2006). (Using grounded theory to model visitor experiences at heritage sites :Methodological and practical issues. **Qualitative Market Research :An International Journal**, 9(4), 367-388.
- Dipasquale, L.; Silva, N. J. S. & Mecca, S. (2011). An Interdisciplinary Approach to a Cultural and Architectural Heritage :Earthen Dome Architecture in SyriaThe Safeguard of Cultural Heritage :a Challenge from the Past for the Europe of Tomorrow (COST strategic workshop). **U.d.S.d. Firenze**. Italy: Universita degli Studi di Firenze.
- Fakhra, A. J. (2012). **Conceptual Model of Design Creativity :Fostering Creative Cognition in Architecture and Design Pedagogy**. USA (Chicago): Illinois Institute of Technology, ProQuest Dissertations Publishing.
- ICOMOS. (1964). **International Charter for the Conservation and Restoration of Monuments and Sites (Venice Charter)**. https://www.icomos.org/charters/venice_e.pdf. (Retrieved 20 November. 2016)
- ICOMOSA. (1999). **Charter on the Built Vernacular Heritage**. https://www.icomos.org/images/DOCUMENTS/Charters/vernacular_e.pdf. (Retrieved 20 November. 2016)
- ICOMOS B. (1999). **The Australia ICOMOS Charter for Places of Cultural Significance (Burra Charter)**. <https://australia.icomos.org/publications/burra-charter-practice-notes/burra-charter-archival-documents#/BC1999>. (Retrieved 20 November. 2016)
- ICOMOS. (2000). **Principles for Conservation and Restoration of Built Heritage (Krakov Charter)**. <http://smartheritage.com/wp-content/uploads/2015/03/KRAKOV-CHARTER-2000.pdf>. (Retrieved 20 November. 2016)
- ICOMOS. (2003). **Principles for the Analysis, Conservation and Structural Restoration of Architectural Heritage**. https://www.icomos.org/images/DOCUMENTS/Charters/structures_e.pdf. (Retrieved 20 November. 2016)



- ICOMOS. (2008). **The Interpretation and Presentation of Cultural Heritage Site (Quebec charter)**. [http://icip.icomos.org/downloads/ICOMOS_Interpretation_Charter_ENG_04_10_08 .pdf](http://icip.icomos.org/downloads/ICOMOS_Interpretation_Charter_ENG_04_10_08.pdf) . (Retrieved 20 November. 2016)
- ICOMOS. (2010). **ICOMOS New Zealand Charter for the Conservation of Places of Cultural Heritage Value (New Zealand Charter)**. https://www.icomos.org/images/DOCUMENTS/Charters/ICOMOS_NZ_Charter_2010_FINAL_11_Oct_2010.pdf. (Retrieved 20 November. 2016)
- Mecca, S.; Cirinnà, C. & Masera, M. (2008). A semantic web portal for supporting knowledge contribution, sharing, and management in the earthen architectural heritage domain. **Terra 2008: The 10th International Conference on the Study and Conservation of Earthen Architectural Heritage** .USA :Getty Publications . 114-119.
- Mecca ,s & .Dipasquale ,l.(2012). Building Culture of Corbelled Dome Architecture in Northern Syria. **Terra 2012: The 11th International Conference on the Study and Conservation of Earthen Architecture Heritage**. Lima, Peru.
- Muñoz Viñas ,S.(2005). **Contemporary Theory of Conservation**. Oxford: Elsevier Butterworth-Heinemann.
- Muñoz Viñas, S. (2009). Minimal Intervention Revisited. **Conservation : principles, dilemmas and uncomfortable truths**. Richmond, A. & Bracker, A. (Eds.). UK: Routledge. 47-59.
- Nonaka, I. & Takeuchi, H. (2000). Classic work: Theory of organizational **knowledge creation**. **Knowledge Management: Classic and Contemporary Works**. Cambridge: MIT Press. 139-182.
- Petermans ,A ; Van Cleempoel ,K & .Vanrie ,J.(2011). Tacit knowledge in interior architecture: interior architects on the designer-paying client-user client relationship .In **International Association of Societies of Design Research Conference**. Delft, The Netherlands.
- Strauss, A. & Corbin, J. (1998). **Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory**. UK: Sage.
- Walliman ,N.(2006). **Social Research Methods**. UK: Sage.



Received: 2017/07/10

Accepted: 2018/04/07

Describing the Paradigm of Masons' Conservation Intervention by Using Masons' Tacit Knowledge in Southern Khorasan

Reza Rahimnia* Mehran Gharaati** Ali Zamanifard***
Saied Saiedpour****

Abstract

Throughout the history, interventions by masons and local builders have played a major role in the creation and continuity of Iranian architecture. Masons' understanding and knowledge of conservation and architecture have been derived from experience and practice over the years. Nonetheless, conservation researchers have paid little attention, if any, to the masons' knowledge, which can be seen in the contemporary literature of conservation. Moreover, local knowledge or indigenous know-how is often not registered except in the masons' mind, which greatly contributes to the problem that the knowledge of this field is gradually fading away and we seem to be moving towards losing this invaluable information. Presently, and for different reasons, the remaining generation of vernacular architects or masons in Iran is at risk of disappearing. Furthermore, paying attention to masons - as one of the architecture and conservation's oral resources- can be a valuable reference for identifying and explaining the paradigm, fundamentals and criteria of conservation intervention in the past, since this tacit knowledge could be extracted and possibly applied in today's conservation. This research focuses on masons' tacit knowledge and conservation interventions. This paper seeks to answer the following question: "What have been the criteria-that has made the masons' decisions-for intervention conservation?" Therefore the research aims to explain the paradigm of conservation intervention in the past". To do so, a group of experienced masons (20 Persons) in southern Khorasan, Iran, were identified, from whom data was collected through conversation as well as semi-structured interviews. Enjoying a combination of historical, descriptive, survey, and field study research methods, data were gathered through and then analyzed by using Grounded Theory (GT) approach. This was done through coding interviews' text, using MAXQDA 10 software. A wide spectrum of intervention could be identified by analyzing the masons' tacit knowledge, which in general can be classified into three categories: namely "conditions", "strategies", and "consequences". Each of which are further described and categorized. The toned for periodic repairs and maintenance, preventive conservation and stabilization, changes to accommodate changing life styles, emergency conservation, and beliefs are example of causal conditions. Contextual conditions also are: materials and architecture changing, values, norms, and problems and limitations. Degree and level of masons -that provided by their practices in architecture and conservation- and education process are the intervening conditions. Among other measures, conservation strategies include repair, adaptation, renovation, and reconstruction. Continuity in function as well as structural stability can be considered as the main aims of conservation intervention.

Keywords: Architectural Heritage, Conservation Intervention, Tacit Knowledge, Mason's Paradigm, Southern Khorasan

* Assistant Professor, Faculty of Architecture and Urban Development, Imam Khomeini International University, Iran.

** Assistant Professor, Faculty of Architecture, Art University of Isfahan, Iran.

*** Assistant Professor, Faculty of Conservation and Restoration, University of Art, Iran.

**** M.A in Iranian Studies (Iranology), Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism of Southern Khorasan, Birjand, Iran.